

سنجش مولفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های
کشت مخلوط: رویکرد مقایسه‌ای بین زنان پذیرنده و نپذیرنده
فن‌آوری‌های نوین کشاورزی

**Assessment of the rural women's social capital
components in mixed culture systems: a comparison
between adopter and non-adopter women of new
agricultural technologies**

علی اصغر میرک‌زاده^۱، نعمت‌اله شیری^۲، وحید علی‌آبادی^۳

- ۱- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران
- ۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی
کرمانشاه

چکیده

این تحقیق با هدف کلی، مقایسه مولفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در نظام‌های کشت مخلوط انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۷۰۰ نفر از زنان روستایی دهستان زرین‌دشت، شهرستان دره‌شهر (استان ایلام) بودند. با استفاده از جدول بارتلت ۲۵۴ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه سازمان‌یافته و از پیش آزمون شده بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده نسبت به زنان روستایی نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در نظام‌های کشت مخلوط در سطح بالاتری قرار دارد. براساس نتایج تحقیق از بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی، مولفه‌های "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" و "پیوندهای همسایگی" در بین زنان روستایی پذیرنده و مولفه‌های "دوستی و روابط خانوادگی" و "احساس امنیت و اعتماد" در بین زنان روستایی نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی از اولویت بالاتری برخوردار بودند. نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان داد که بین سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، فناوری‌های کشاورزی، کشت مخلوط، زنان روستایی

Abstract

The main purpose of this research was Assessment of the rural women's social capital components in mixed culture systems: a comparison between adopters and non-adopters women of new agricultural technologies. The Statistical population of the study consisted of 3700 rural women in ZARINDASHT (DAREH SHAHR County in ILAM province). A sample of 254 women was selected by using of simple randomly sampling method and Bartlett's sampling table. The main instrument of study was the organized questionnaires and pre- tested beforehand. The findings revealed that social capital of rural women who accepted new technology has higher level rather than rural women who did not accepted them. Findings showed that "acceptance of difference" and "neighborhood relations" components between components of social capital of women who accepted new technology and "security sense and confidence" and "friendship and family relations" components between women who did not accepted new technologies has more average rather than other social capital components. Also, Result of compare means test showed that there was significance difference between social capitals of women who accepted new technologies with the women who did not accept them.

Keywords: Social Capital, Mixed Culture Systems, Agricultural technology, Rural Women

مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و پیامدهای توسعه نیافتگی این مناطق موجب توجه به توسعه روستایی شده است. به نظر مایکل تودارو ضرورت توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که بیشتر جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، بلکه به این علت است که راه‌حل‌های نهایی بسیاری از نارسایی‌ها و معضله‌های شهرها مانند مسئله بیکاری، تراکم جمعیت و حاشیه‌نشینی شهری به بهبود محیط روستاها مربوط می‌شود (تودارو، ۱۳۶۸). اکنده^۱ بر این باور است، زنان نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، لذا چنانچه هر برنامه‌ای این نیروی عظیم انسانی را در نظر نگیرد، به هدف‌های خود دست نخواهد یافت. زنان به‌ویژه زنان روستایی دوشا دوش و هم‌پای مردان در فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی، مشارکتی فعالانه داشته و نیروی عمده در تولیدات به ویژه تولیدات کشاورزی و دامپروری هستند. وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشان‌گر میزان پیشرفت آن جامعه است و اعتلای هر کشوری در گروه استفاده از نیروی زنان می‌باشد. زنان همواره نقش‌های پایه‌ای در توسعه جامعه‌های بر عهده داشته‌اند، به‌ویژه زنان روستایی که همیشه با گستره‌ای از فعالیتهای درون و بیرون از خانه مشغول بوده‌اند، اما هیچ‌گاه این تلاش‌ها جدا از کار مردان انعکاس نیافته است و نقش‌های آنان جدی گرفته نشده است (آگهی، ۱۳۸۴). تحقیقات انجام شده، نشانگر این واقعیت است که به‌رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جنبه‌های مختلف روستایی و نقش آنان در تغییر و دگرگونی‌های روستایی و برنامه‌های اجرا شده، به‌منظور توزیع و ایجاد زیر ساخت‌های توسعه، به دلیل چشم‌پوشی از نقش برجسته زنان، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه‌های آموزشی - ترویجی و کلیه فعالیتهای پشتیبانی به عمل آمده است (عماری، ۱۳۸۰).

در سال‌های اخیر سرمایه‌ی اجتماعی در ادبیات توسعه و جامعه‌شناسی توجه بسیار زیادی را به خود معطوف کرده است (Portes, 1998). سرمایه‌ی اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که در آن افراد با درگیر شدن در معامله‌ها و شبکه‌های اجتماعی منافع مورد استفاده را تولید می‌نمایند (لین، ۲۰۰۱). سرمایه‌ی اجتماعی از تعهدها یا ارتباط‌های اجتماعی ساخته می‌شود که در شرایط معین، قابل تبدیل به سرمایه‌های اقتصادی هستند (Portes, 1998). اندیشه‌ی اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند و یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن را به کار برده و از آن بهره‌گیرد. این مسئله برای گروه بیشتر صدق می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۲). نتایج تحقیقات در نقاط مختلف جهان گویای این است که رابطه‌ای بسیار قوی بین میزان سرمایه اجتماعی مناطق مورد بررسی و میزان توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کشاورزی آن مناطق وجود دارد (آلونگ، ۲۰۰۲). ماکوب (۲۰۰۵) بر این باور است جایی که شاخص‌های سرمایه اجتماعی همچون اعتماد، انسجام و شبکه روابط اجتماعی آشکار و مشهود هستند، مردم محلی با انگیزه بیشتری و با تعهد بالاتری با ماموران مؤسسه‌های تغییر برای ایجاد تغییرات مطلوب و پایدار همکاری می‌کنند. پالدام (۲۰۰۰) بر این باور دارد که وجود سرمایه اجتماعی در میان یک جامعه روستایی و کشاورزی باعث افزایش اثربخشی ترویج کشاورز به کشاورز می‌شود و انتقال اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین کشاورزی و همکاری و هماهنگی آن‌ها را تسهیل و تشدید می‌کند. لذا، تغییر در آهنگ این مشخصه‌ها است که در نهایت منجر به اقدام جمعی و مشارکت کشاورزان برای پذیرش تکنولوژی کشاورزی می‌شود. اسمیت و شارپ (۲۰۰۳) بر این باورند که بین سرمایه اجتماعی روستاییان و توسعه کشاورزی رابطه معنی‌داری وجود دارد. تحقیقات چاین‌یانگ (۲۰۰۲) در افریقای جنوبی گویای آن است که محققان برای عملی کردن رهیافت توسعه

مشارکتی تکنولوژی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند: اعتماد، انسجام و شبکه‌های اجتماعی و جامعه‌شناسان برای جلب مشارکت و همکاری کشاورزان استفاده کرده‌اند. نتایج بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی در جامعه‌های کشاورزی یکی از عامل‌های کلیدی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌آید و بدون حد مطلوبی از این سرمایه هیچ کدام از ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پایداری توسعه به‌طور کامل محقق نخواهد شد. لذا توجه به این موضوع مهم در کنار نقش پایه‌ای زنان در مباحث توسعه پایدار، به‌ویژه توسعه پایدار کشاورزی و روستایی دارای اهمیت است.

کشت مخلوط^۲ به‌عنوان یکی از روش‌های پر کاربرد چندکشتی^۳ است که با هدف گسترده کردن و متنوع ساختن کشت در ابعاد « مکانی و زمانی » صورت می‌گیرد و دو یا چند محصول در یک زمان و در یک قطعه از کشتزار کشت می‌شوند که ممکن است دو یا چند محصول مورد نظر به صورت ردیفی یا درهم کشت شوند. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی نظام‌های کشت مخلوط، افزایش تنوع بر حسب ساختار و رویشگاه گونه گیاهی می‌باشد. کشت مخلوط سودمندی‌هایی متعددی برای کشتزار دارد که از جمله آن می‌توان به نقش آن در حفظ و بهبود حاصل‌خیزی خاک و بالطبع کاهش مصرف نهاده‌های مصنوعی، کاهش خطر ناشی از شیوع آفات و بیماری‌ها، اثرگذاری‌های اقلیمی آب و هوا به دلیل تنوع محصول، تأمین غذا و علوفه به‌نسبت ارزان برای دام‌ها و استفاده بهینه از نیروی کار که بیشتر زنان روستایی و کشاورز می‌باشند، اشاره نمود (مظاهری، ۱۳۷۷). با توجه به سودمندی‌های یاد شده برای نظام کشت مخلوط که یکی از روش‌ها و فنون کشاورزی پایدار می‌باشد (اسدی و نادری مهدی، ۱۳۸۸). این نظام بصورت پراکنده و در قطعه‌های کوچک در مناطق گرمسیری و نیمه‌گرمسیری رواج پیدا کرده است، که به علت کوچکی قطعه‌ها و

حجم سبک کارها زنان کشاورز در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصول در این نظام نقش بارزی ایفا می‌کنند (مظاهری، ۱۳۷۷).

با توجه با اینکه نتایج تحقیقات پیشین از وجود رابطه بسیار قوی بین سرمایه اجتماعی کشاورزان و توسعه کشاورزی و همچنین نقش آن در پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی حکایت دارند. در این پژوهش موضوع سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های کشت مخلوط و ارتباط آن با پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، هدف کلی این تحقیق، مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در نظام‌های کشت مخلوط است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی دهستان زرین‌دشت شهرستان دره‌شهر (استان ایلام) تشکیل دادند. در این پژوهش مبنای گزینش زنان روستایی در دو گروه پذیرنده و نپذیرنده، شرکت این افراد در برنامه‌های آموزشی-ترویجی در حیطه فن‌آوری‌های نوین کشاورزی از جمله معرفی رقم‌های جدید در نظام‌های کشت مخلوط بود. که در این میان ملاک تأثیرگذار در جداسازی این دو گروه، پذیرش و نبود پذیرش ارقام جدید بود. شمار این افراد بر پایه آخرین اطلاعات ۳۷۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه‌گیری بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۲۵۴ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری ساده تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه شامل دو بخش بود. بخش اول ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان روستایی مورد بررسی و بخش دوم مقیاسی برای

سنجش سرمایه اجتماعی زنان روستایی مورد بررسی بود، در این بخش پرسشنامه استاندارد بولن و اونیکس (۲۰۰۰) مبنای کار قرار گرفت و متناسب با ویژگی‌های کشاورزان منطقه مورد بررسی، تعدیل و متناسب‌سازی شد. روایی پرسشنامه، توسط متخصصان توسعه روستایی تعیین شد و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان این ضریب برای مقیاس یاد شده، ۰/۸۲ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS انجام شد.

نتایج و بحث

- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان:

نتایج نشان داد که ۳۰/۷۰ درصد از زنان روستایی مورد بررسی در رده سنی ۴۹-۴۰ سال قرار دارند. ۷۰/۴۶ درصد از آن‌ها تحصیلاتی در حد دیپلم و پایین‌تر داشتند. میزان مالکیت زمین ۴۷ درصد از آنان بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر مربع بود. شمار افراد خانواده بیشتر آنان (۶۸/۱۷) بین ۴ تا ۷ نفر و بیشتر آنان در طول یک سال بین ۱ تا ۳ بار در کلاس‌های آموزشی - ترویجی شرکت نموده‌اند. بیشتر آنان (۴۶/۳ درصد) از دو رسانه ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون استفاده می‌کردند. میزان درآمد سالانه آنان بر حسب اظهارهای خودشان از ۰۰۰۵ تا ۵۰ میلیون ریال متغیر بود و میانگین درآمد سالانه آنان ۲۶ میلیون ریال بود.

- اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی:

به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی از ضریب تغییرات استفاده شد (جدول ۱). با توجه به نتایج

ارائه شده در جدول ۱ دیده می‌شود که از بین مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" و "پیوندهای همسایگی" بیش از دیگر مؤلفه‌ها در بین زنان پذیرنده، وجود دارد. در این بین کم‌ترین اولویت‌ها به "مشارکت در اجتماع‌های محلی" و "بها دادن به زندگی" اختصاص یافته است.

جدول (۱): وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین (از ۵)	مؤلفه‌ها
۱	۰/۲۵	۰/۹۷	۳/۷۸	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها
۲	۰/۲۶	۰/۹۶	۳/۶۶	پیوندهای همسایگی
۳	۰/۲۷	۰/۹۳	۳/۴۶	دوستی و روابط خانوادگی
۴	۰/۳۱	۱/۰۳	۳/۳۱	احساس امنیت و اعتماد
۵	۰/۳۳	۱/۰۹	۳/۲۱	عملگرایی در بافت اجتماعی
۶	۰/۳۵	۱/۱	۳/۱۴	پیوندهای کاری
۷	۰/۳۶	۱/۰۲	۲/۸۴	بها دادن به زندگی
۸	۰/۳۸	۱/۱۲	۲/۹	مشارکت در اجتماع‌های محلی

همچنین جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از بین

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی اولویت اول و دوم به ترتیب به "دوستی و روابط خانوادگی" و "احساس امنیت و اعتماد" اختصاص داده شده است. در این بین اولویت‌های آخر به مؤلفه‌های "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" و "عملگرایی در بافت اجتماعی" اختصاص داده شده است.

با توجه به جدول شماره ۱ و ۲ دیده می‌شود که مؤلفه "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" در بین زنان نپذیرنده به عنوان مؤلفه اول و در بین زنان نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی به اولویت آخر اختصاص داده شده است. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی که در پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در جامعه آماری مورد بررسی

تاثیرگذار بوده است، مؤلفه " ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها " است. که باید در ترویج برنامه‌ها و فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در منطقه مورد بررسی به آن توجه شود.

جدول (۲): وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین (از ۵)	مؤلفه‌ها
۱	۰/۲۷	۰/۹۶	۳/۵۵	دوستی و روابط خانوادگی
۲	۰/۲۹	۰/۹۶	۳/۲۷	احساس امنیت و اعتماد
۳	۰/۳۲	۱/۰۷	۳/۳۱	بها دادن به زندگی
۴	۰/۳۳	۱/۰۳	۳/۱۷	پیوندهای همسایگی
۵	۰/۳۵	۱/۰۳	۳/۷۲	پیوندهای کاری
۶	۰/۳۶	۱/۰۲	۲/۸۱	مشارکت در اجتماع‌های محلی
۷	۰/۳۸	۱/۰۱	۲/۶۲	عملگرایی در بافت اجتماعی
۸	۰/۳۹	۱/۰۵	۲/۶۵	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها

- بررسی میزان سرمایه اجتماعی در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی:

نمره سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط برای ۶۰ گویه سرمایه اجتماعی با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱- هرگز تا ۵- خیلی زیاد) بین ۶۰ تا ۳۰۰ بود که آن را در سه سطح: کم، متوسط و زیاد گروه‌بندی کردیم.

جدول شماره ۳ سطوح سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط نشان می‌دهد که فن‌آوری‌های نوین کشاورزی را پذیرفته‌اند. همان‌طوری که دیده می‌شود سرمایه

اجتماعی بیش از نیمی از زنان پذیرنده فن آوری‌های نوین کشاورزی در حد زیاد برآورد شده است.

جدول شماره ۴ سطوح سرمایه اجتماعی را در بین زنان پذیرنده فن آوری‌های نوین کشاورزی نشان می‌دهد. همان‌طوری که دیده می‌شود سرمایه اجتماعی حدود ۸۰ درصد از زنان روستایی پذیرنده فن آوری‌های نوین کشاورزی در حد متوسط و پایین‌تر از آن است.

جدول (۳): توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن آوری‌های نوین کشاورزی

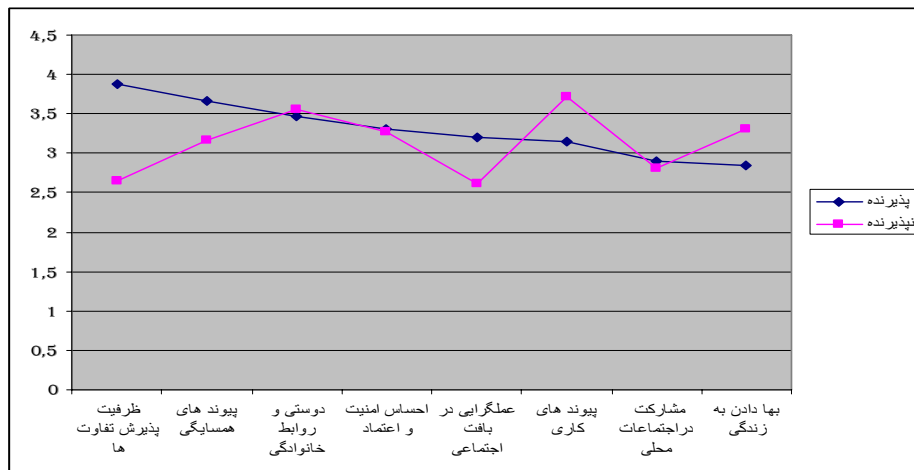
میزان سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (کم‌تر از ۱۴۰)	۱۸	۱۵/۶۵	۱۵/۶۵
متوسط (۱۴۰ - ۲۲۰)	۳۴	۲۹/۵۶	۴۵/۲۱
زیاد (بیش‌تر از ۲۲۰)	۶۳	۵۴/۷۸	۱۰۰
سرمایه اجتماعی، میانگین: ۱۹۷/۲۵ کمینه: ۶۰ بیشینه: ۳۰۰			

جدول (۴): توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن آوری‌های نوین کشاورزی

میزان سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (کم‌تر از ۱۴۰)	۴۶	۳۳/۰۹	۳۳/۰۹
متوسط (۱۴۰ - ۲۲۰)	۶۷	۴۸/۲۰	۸۱/۲۹

زیاد (بیشتر از ۲۲۰)	۲۶	۱۸/۷۱	۱۰۰
سرمایه اجتماعی	میانگین: ۱۸۸/۲۵	کمینه: ۶۰	بیشینه: ۳۰۰

- مقایسه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های مختلف آن در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی: به‌منظور مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی از نرم‌افزار اکسل استفاده شد. نمودار شماره ۱ مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در بین گروه زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی نشان می‌دهد. همان‌طوری که دیده می‌شود، مؤلفه‌های "اعتماد و احساس امنیت"، "مشارکت در اجتماع‌های محلی" و "دوستی و روابط خانوادگی" در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی هم‌پوشانی دارند. این در حالی است که نمودار ۱ بیانگر آن است که مؤلفه "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی تفاوت معنی‌داری دارد.



نمودار (۱): مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی

برای مقایسه سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی از آزمون مقایسه میانگین t مستقل استفاده شد. همان‌طوری که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، نتایج آزمون مقایسه میانگین بیانگر آن است که اختلاف معنی‌داری در سطح ۵ درصد بین میانگین سرمایه اجتماعی زنان روستایی پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی وجود دارد. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی با زنانی که این فن‌آوری‌ها را نپذیرفته‌اند اختلاف معنی‌داری وجود دارد و همان‌طوری که میانگین سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی (جدول شماره ۵) و جدول بررسی میزان سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی (جدول شماره ۳ و ۴) نشان می‌دهند سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی نسبت به زنانی که این فن‌آوری‌ها را نپذیرفته‌اند، دارای میانگین بیشتری است. بنابراین، با توجه به این نتایج می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی یک عامل بسیار مهم و قابل توجه در پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی بوده است. نتایج تحقیقات ماکوب (۲۰۰۵)، پالدام (۲۰۰) و یانگ (۲۰۰۲) با این یافته همسو می‌باشد.

جدول (۵): مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی

متغیر	میانگین	t	Sig
-------	---------	---	-----

۰/۰۲۸	۰/۷۰۸*	۱۹۷/۲۵	پذیرنده	سرمایه اجتماعی
		۱۸۸/۲۵	نپذیرنده	

*معنی داری در سطح ۵ درصد

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج بررسی میزان سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن آوری های نوین کشاورزی نشان داد که سرمایه اجتماعی در بین زنان پذیرنده فن آوری های نوین کشاورزی نسبت به زنانی که این فن آوری های را نپذیرفته اند در سطح بالاتری وجود داشت، به گونه ای که بیشتر زنان پذیرنده فن آوری های نوین، سرمایه اجتماعی در حد زیاد داشتند در صورتی که میزان سرمایه اجتماعی بیشتر زنان نپذیرنده فن آوری های نوین کشاورزی در حد متوسط و پایین تر بود. علاوه بر این، اولویت بندی مؤلفه های سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن آوری های نوین در نظام های کشت مخلوط نشان داد که "ظرفیت پذیرش تفاوت ها" در بین زنان پذیرنده اولویت اول را به خود اختصاص داده است این در حالی است که در بین زنان نپذیرنده فن آوری های نوین کشاورزی مؤلفه "دوستی و روابط خانوادگی" اولویت اول را به خود اختصاص داده بود. این امر نشان از روحیه جمع گرایی بالای زنان پذیرنده نسبت به زنان نپذیرنده فن آوری های نوین کشاورزی دارد که می تواند در کارهای گروهی باعث توفیق شود.

مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی نشان داد که مؤلفه‌های "اعتماد و احساس امنیت"، "مشارکت در اجتماع‌های محلی" و "دوستی و روابط خانوادگی" در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی هم‌پوشانی دارند. این در حالی است که مؤلفه "ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها" در بین زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی تفاوت معنی‌داری دارند. همچنین، نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها به منظور مقایسه سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی نیز نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی دو گروه زنان پذیرنده و نپذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی عامل کلیدی و مؤثری در پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در جامعه آماری مورد بررسی می‌باشد. یا به عبارتی دیگر، نتایج تحقیق بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی باعث پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در میان کشاورزان می‌شود و در جامعه‌ای که میزان سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، شتاب پذیرش فن‌آوری‌های نوین بیشتر است. به هر حال سرمایه اجتماعی که عامل بهره‌وری سرمایه‌های فیزیکی و انسانی است در جامعه آماری مورد بررسی آن‌چنان که باید، دارای جایگاه نیست و ارتقای آن به‌منظور موفقیت طرح‌های توسعه کشاورزی اولویت بالایی دارد. بنابراین، بر مسئولان و توسعه‌گران کشاورزی ضروری است تا در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه مورد نظر تحقیق اهتمام نمایند.

برپایه یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای زیر را برای بهبود وضعیت پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در جامعه مورد بررسی ارائه داد:

۱- با توجه به این که بیشتر کشاورزان مورد بررسی مسن و درای سطح سواد و درآمد کمی هستند و این ویژگی‌ها، اغلب تغییر ناپذیرند و می‌توانند از دلایل مقاومت کشاورزان در برابر پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی باشند، لذا ضرورت دارد که ماموران تغییر در جامعه مورد بررسی روی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان برای کاهش اثرگذاری‌های منفی این ویژگی‌ها برای پذیرش فن‌آوری‌های نوین بیش‌تر تمرکز کنند؛

۲- اعتماد کشاورزان به ماموران تغییر در پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی یکی از گام‌های اولیه و مهم برای پذیرش به شمار می‌آید، بنابراین، توصیه می‌شود که مروجان و کارشناسان منطقه برای جلب اعتماد کشاورزان که فن‌آوری‌های نوین را نپذیرفته‌اند روش‌های گوناگون از جمله افزایش دیدار و گفتگو با آنان را در دستور کار خود قرار دهند؛

۳- با توجه به اینکه مؤلفه ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی زنان پذیرنده فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در جامعه آماری مورد بررسی است، می‌بایستی که عاملان ترویج فن‌آوری‌های نوین و ماموران تغییر در منطقه مورد بررسی برای پذیرش فن‌آوری‌های نوین کشاورزی در روستاهای که هنوز نوآوری‌ها و فن‌آوری‌های نوین را نپذیرفته‌اند، با تشکیل نشست‌های مکرر و دعوت از کشاورزان به شرکت در آنان و شنیدن رأی و نظر آنان و سهم نمودن آنان در تصمیم‌گیری‌ها، مؤلفه پذیرش ظرفیت تفاوت‌ها و جمع‌گرایی را در کشاورزان تقویت و بهبود بخشند که در نهایت باعث پذیرش فن‌آوری‌های نوین آنان می‌شود.

منابع

۱. آگهی، ح. (۱۳۸۴). «نقش تعاونی‌ها در بهبود موفقیت زنان در فرایند توسعه». مجموعه مقالات، منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. قسمت اول (الف-ش). صص ۵۱-۶۴.
۲. اسدی، ع و نادری مهدی، ک (۱۳۸۸)، کشاورزی پایدار. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

۳. تودارو، م (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۴. مظاهری، د (۱۳۷۷)، زراعت مخلوط. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۵. multi- Institutions, social capital, and Alonge. J.A (2002), Traditional institutional partnerships for agricultural development: implications for a new extension paradigm. Proceedings of the 18 th annual conference. extension paradigm. AIAEE. p.8-11 Durban. South Africa.
۶. Putnam , R (2000), the prosperous community :social capital and public life. The American prospect .4(13),35-42.
۷. Brehm, Henry & Rahn, wandy (1997), Individual level evidence for the cause and consequences of social capital, American journal of political science, volume 41, issue 3(jul.1997), 999-1023.
۸. Onyx, J. Bullen, P (2000), measuring social capital in fire communities, Journal of Applied Behavioural science, 36,23-42
۹. Smith, M. B & sharp, S.I (2003), social capital and farming at the rural-urban interface: the importance of non farmer and farmer relation. Agricultural systems, (76) 913-927
۱۰. Lin, N (2001), Building a Network Theory of social capital", connections, 22(1): 28-51.
۱۱. Offe, Claus & Fuchs, Susanne (2002), "A decline of Social Capital? The German Case", Published in Putnam, Robert D, Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.
۱۲. Paldam, M (2000), Social capital: one or many? Definition and measurement. Journal of Economic surveys, vol. 14, no. 5.
۱۳. Chinying, L. J (2006), "Social Context and Social Capital Enablers of Knowledge Integration", Journal of Knowledge Management, Vol. 10, No. 3, pp. 89-105.
۱۴. Portes, a (1998), Social capital: its origins and applications in modern sociology. Annual review of sociology, 24(1), 1-24.
۱۵. Mwakubo, M. S (2005), The influence of social on sustainable agriculture in marginal areas, Kenya: a case study of mach akos and taita- taveta districts. 213-215.
۱۶. Blanchard, A. and Horan, T (2000), Virtual communities and social capital. Social dimensions of information technology: issues for the new millennium. Hershey, PA, USA, Idea Group Publishing: 6-21.
۱۷. Bartlett, J.E., Kotrlik, J.W. & Higgins Ch.C (2001), Organizational Research: Determining Appropriate Sample Size in Survey Research. Journal Information Technology, Learning, and Performance, 19(1), 43-50.